

ماهیت و کارکرد نهادهای خود انتظام و بهبود ساختار آنها در بازار سرمایه ایران

یونس شهسوار^۱، هانه فرکیش^۲، عباد روحی^۳^۱ دانشجوی گروه حقوق، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران^۲ استادیار گروه حقوق، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)^۳ استادیار گروه حقوق، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

The nature and function of self-regulation institutions and improving their structure in Iran's capital market**Yunes Shahsavari¹, Hane Farkish², Ebad Rouhi³**¹ Student of Law Department, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran² Assistant Professor of Law Department, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran (Responsible Author)³ Assistant Professor of Law Department, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

Received: (01/01/2023) Accepted: (08/03/2023)

شناسه یکتا: <https://dorl.net/dor/>

چکیده

Abstract

What is important in the analysis of self-regulating institutions is to explain the nature of internal regulation and its implementation by these institutions, as well as how to handle complaints against the employees of these organizations. The main question that we have faced in this research is, from the point of view of the legal doctrine of the self-regulatory institution, what kind of institution does it refer to and what effect does the self-regulation of an organization, especially the organization and institution related to the capital market, have on this. The definition of the self-regulating institution has been obtained in this treatise as described above, and it has also been determined that the self-regulation of the capital market makes this institution more agile and increases its efficiency and productivity. Since in Iranian law, the status of self-organizations Regulation has not been properly explained, and on the other hand, the capital market, as one of the most important markets in the country, which is governed by the law in the form of regulation, has also been placed in the thick of legal investigations; It is necessary to examine and explain the various aspects of the capital market self-regulation problem. This important matter has been done in this thesis using descriptive analytical method.

Keywords: Capital market, self-regulation, self-regulation organizations, dispute resolution, regulation.

آنچه در تحلیل نهادهای خود انتظام اهمیت دارد تبیین ماهیت مقررات گذاری داخلی و اجرای آن توسط این نهادها و نیز نحوه رسیدگی به شکایت علیه کارکنان این سازمان ها است . سوال اصلی که در این پژوهش با آن مواجه بوده ایم این است که از منظر دکتین حقوقی نهاد خود انتظام ذاتا به چه نهادی اطلاق می گردد و خود انتظام بودن یک سازمان به ویژه سازمان و نهاد مرتبط با بازار سرمایه چه اثری بر این باز را می گذارد . تعریف نهاد خود انتظام به شرحی که فوقا گذشت در این رساله بدست آمده است و نیز مشخص شده ایست که خود انتظام شدن بازار سرمایه سبب چابک شدگی این نهاد و افزایش کارآمدی و بهره وری آن می شود . از آنجا که در حقوق ایران ، وضعیت سازمان های خود انتظام به درستی تبیین نشده است و از طرف دیگر بازار سرمایه به عنوان یکی از مهم ترین بازارهای کشور که به موجب قانون به شکل خود انتظام اداره می شود نیز در بوته اجمال و ابهام بررسی های قانونی قرار گرفته است ؛ ضروری است ابعاد مختلف مساله خود انتظام بودن بازار سرمایه بررسی و تبیین گردد . این امر مهم در رساله حاضر و با استفاده از روش تحلیلی توصیفی مورد انجام قرار گرفته است .

واژگان کلیدی: بازار سرمایه ، خود انتظام ، سازمان های خود انتظام ، حل اختلاف ، مقررات گذاری.

مقدمه

گیری ساختار و آثار اقتصادی حقوق و نهادهای حقوقی اعمال میشود.^۱

بند سوم : رویکرد اقتصادی محدودیت منابع و نامحدود بودن نیاز

در واقع کمیابی منابع تولید و فراوانی و تنوع خواسته های انسان که واقعیتی انکار ناپذیر در زندگی اقتصادی بشر است ایجاب می کند تا در هر جامعه ای منابع کمیاب به نحوی تخصیص داده شود که تا حد امکان بیشتر این خواسته ها بر طرف گردد؛ از این رو برخی علم اقتصاد را به عنوان علم تخصیص اقتصادی منابع تولید تعریف کرده اند و معتقدند که اقتصاد چیزی جز مطالعه و بررسی چگونگی انتخاب اقتصادی انسان در زندگی نیست و در واقع منطبق انتخاب کردن است.^۲

معمول مباحث حقوق و اقتصاد در تحلیل و پیش بینی رفتار افراد در مقابل محرکهای حقوقی و طراحی راه های نیل به بایدها بر فرض (انتخاب معقول افراد) بنا شده است فرضی که از مباحث اقتصاد خرد وام گرفته شده است^۳ که اقتصاد دانان هم در تحلیل های خود از بازار و در روابط تصمیم گیریهای اقتصادی افراد بر این الگوی رفتاری تکیه می کنند که از آن به عنوان ((تئوری رفتار معقول))^۴ تعبیر شده است. مطابق این مبنا افراد ترجیحات مشخص و نظم یافته ای دارند و با لحاظ محدودیت ها مثل درآمد و وقت و منابع در پی حداکثر نمودن مطلوبهای ناشی از این ترجیحات هستند. در شکل تکمیل تر این تئوری به حد اکثر انتظار مطلوب اشاره شده است این تعدیل در رفتار انسان معقول به شرایط عدم اطمینان از سود و زیان توجه دارد.

^۱ ایرج، بابایی، منبع پیشین ص ۳-۷

^۲ فریدون تفضیلی، ۱۳۷۵، تاریخ عقاید اقتصادی نشر نی چاپ ۲ ص

^۳ Emma coleman Jordan & Angela p.Harris, "Beyond Rational Choice", Alternative Perspectives On Economic 1988 p11

^۴ (Rational Choice Theory)

رویکرد حقوق و اقتصاد جدید نگاهی متفاوت به رابطه حقوق و اقتصاد دارد و مطالعات انجام شده در مسیری متفاوت قرار گرفته است. در واقع شاخصه حقوق و اقتصاد جدید اعمال ابزار تحلیل اقتصادی مشخصا اقتصاد خرد و سیستم قیمت در روابط و زمینه هایی است که تا این زمان در حیطه مسایل اقتصادی شمرده نمیشد. این امر نمایانگر پدیده جدیدی است که در آن تحلیل اقتصادی به عنوان رویکرد اثر حقوقی به مثابه قیمت ضمنی و رفتار لحاظ شده و عکس العمل افراد یا سازمانها به این قیمتها قواعد حقوقی میتوان به همان نحوی که پاسخ به قیمتها مورد تحلیل قرار میگیرد تحلیل شود. به این نحو تئوری و تحلیل سیستم قیمت یا به تعبیری اقتصاد خرد در مورد روابط و مسائل حقوقی اعمال میگردد به عنوان مثال فرض کنیم که مجازات تجاوز به مال دیگری افزایش یابد.

میتوان این تغییر را همچون افزایش قیمت تجاوز به حدود قانونی تعبیر نمود و در نتیجه پیش بینی نمود که با افزایش قیمت تجاوز کمتری تحقق یابد. هدف این تحلیل جدید تبیین چگونگی تاثیر قواعد حقوقی - به واسطه ایجاد انگیزه عمل یا ترک عمل بر رفتار افراد است. نکته اساسی حقوق و اقتصاد جدید در ورود عامل بهره وری و کارایی اقتصادی در شکل دادن به قواعد حقوقی است. در واقع بر خلاف حقوق سنتی که قواعد حقوقی را در چهارچوب و برای تامین عدالت و انصاف میدید حقوق و اقتصاد کارایی اقتصادی را به عنوان هدف و پارامتر اصلی قواعد حقوقی در نظر میگیرد. در دهه ۱۹۶۰ میلادی و در انتشار مقاله رونالد کاوز برای اولین بار از روش تحلیل اقتصادی خرد، برای مطالعه و بررسی مباحثی در زمینه حقوق مسئولیت مدنی و مزاحمت استفاده شد و بدین شکل راهی نوین در تحلیل موضوعاتی که تا پیش از آن در انحصار تحلیل سنتی حقوق بود باز شد.

از این تاریخ این رشته گستردگی بسیاری یافته و مورد توجه گسترده حقوقدانان و اقتصاد دانان قرار گرفت و به عنوان یک رشته علمی مطرح شد و بدین نحو میتوان حقوق و اقتصاد را این گونه تعریف نمود: حقوق و اقتصاد به علمی اطلاق میشود که در آن تئوری اقتصاد (اساسا اقتصاد خرد) برای تحلیل شکل

قواعد حقوقی برای رهنمایی رفتار در جهت کارایی و رفاه بیشتر فردی و اجتماعی مورد تردید جدی می باشد.^۱

بند چهارم: مفهوم نظریه بازی ها در تحلیل اقتصادی حقوق

نظریه بازیها علم استراتژی و تصمیم گیری است. استراتژی برنامه ای است که یک طرف بر اساس پیش بینی رفتار یا واکنش رقیب خود اتخاذ مینماید این نظریه تلاش می کند تا اعمالی که بازیکنان در گستره ای از بازی ها باید انجام دهند تا بهترین پیامد به بار آید به شکل ریاضی و منطقی تعیین کنند و زمانی به کار می رود که عمل و نقش چند عامل روی هم اثر میگذارند این استراتژی ابزار دقیق و عمومی است که در انواع تعامل ها و تقابلها به کار گرفته میشود و هر جا که زمینهای برای تصمیم گیری وجود داشته باشد این نظریه قابل استفاده خواهد بود. به بیانی دیگر هر وقت فرایند تصمیم گیری طرف مقابل داشته باشد محدوده یکه تازی تئوری بازی هاست و در این محدوده هر بازی گری در تلاش است بهترین تصمیم را اتخاذ کند و به بهترین نتیجه برسد.^۲

اگر چه خاستگاه این نظریه علم ریاضی است و توسط اقتصاد دانان گسترش پیدا نموده است اما این نظریه زمینه استفاده وسیعی در رشته های گوناگون دارد به طوری که استفاده از آن از ریاضی و اقتصاد فراتر رفته و در علوم سیاسی جامعه شناسی و حتی فلسفه هم مورد استفاده قرار میگیرد کوتر یکی از صاحب نظران و استادان برجسته رشته حقوق و اقتصاد بر این عقیده است که کاربرد این نظریه در رشته حقوق و اقتصاد بسیار چشمگیر میباشد و فیشر اقتصاد دان برجسته ادعا می کند که کار برد تئوری بازیها در حقوق بیش از اقتصاد

به این صورت که افراد با لحاظ محدودیت ها در پی حداکثر کردن انتظار مطلوب هستند. در واقع همواره افراد بین شرایط و نتایج مطمئن انتخاب نمیکنند بلکه معمولا تعیین میزان مطلوبیت و سود و زیان امری حتمی نیست و با ضریبی از احتمال وقوع همراه است. مطابق این تئوری میزان محاسبه و مقایسه در رفتار حاصل ضرب میزان مطلوبیت آن در میزان احتمال وقوع آن است. به این نحو اگر امری برای فرد ۲۰ واحد ارزش داشته باشد و وقوع آن حتمی باشد ارزش آن نزد معمول افراد معادل امری است که ۴۰ واحد ارزش دارد ولی احتمال وقوع آن ۵۰ درصد است.

بر اساس فرض الگوی رفتار معقول، اقتصاد دانان رفتار افراد را در روابط بازار و تصمیم گیری های اقتصادی تجزیه و تحلیل میکنند و قواعد حاکم بر آن را کشف و رفتار اقتصادی افراد را پیش بینی می کنند. همانطور که گفته شد، تحلیل اقتصادی حقوق بر تشبیه حقوق بر قیمت در بازار استوار شده و از همین راه منطق تحلیل اقتصادی و الگوی رفتار معقول در تحلیل حقوق نیز اعمال می شود البته باید دقت نمود رفتار انسان معقول علی الاصول برای محیط بازار و روابط اقتصادی بازار است و اعمال آن در سطح وسیع تر قواعد حقوقی به جهت تحلیل رفتار افراد در خارج از روابط بازار نیاز به دقیق شدن الگوی رفتاری دارد که در زمینه روابط انسان ها لحاظ شده و به روشنی دلالت بر حداکثر کردن بهره وری مادی و اقتصادی دارد که معمولا با پول قابل تقویم است اما باید در نظر داشت در دیگر زمینه های رفتاری و مشخصا بسیاری از زمینه های حقوق، مطلوبیت برای افراد می تواند بسیار متفاوت و غیر مادی و غیر اقتصادی باشد؛ در بسیاری از زمینه ها انگیزه فعالیت و رفتار اشخاص نیل به ارزش های غیر مادی به قیمت فرای مطلوبیهای مادی یا خیرخواهی برای دیگران و منافع جمع است و در پی تحقق این اهداف معنوی افراد نظری به حداکثر نمودن منافع مادی و اقتصادی خود ندارند. لذا می توان گفت ملاک حداکثر کردن منافع از روشنایی کافی برای پیش بینی رفتار برخوردار است ولی واقعی بودن و قابلیت اجرای آن برای شناخت و پیش بینی رفتار افراد در روابط حقوقی و بنا نمودن

^۱ ایرج، بابایی، ۱۳۸۰، مبانی نظری رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق

پژوهش حقوق و سیاست شماره ۴ ص ۲۳

^۲ سید مقتدی هاشمی پرست، ۱۳۸۵، نظریه بازیها و کاربرد آن

است.^۱

النهاییه با دقت در این تعاریف به این نتیجه میرسیم که اصطلاح خودانتظامی در مفهوم اخص در بخشهای اقتصادی جامعه نمود پیدا میکند و به بیان دقیقتر پایگاه اصلی این شیوه اعمال کنترل در فعالیتهای اقتصادی است با این وجود این شیوه در زمینه های دیگری چون مطالعات روانشناسی یا جرم شناسی، علوم پزشکی و مطبوعات مورد استفاده قرار میگیرد.^۵ تایید این سخن تعاریف ارایه شده از فرهنگهای عمومی است که بنا به تبادل عرفی و شیوع خودانتظامی در فعالیتهای اقتصادی در مثالهای ارایه شده از این فرهنگ لغتها هم تبلور یافته است. در ادامه میتوان اضافه کرد که واژگان خودسامان و خود بسنده^۶ نیز وجه دیگری از همان خود انتظامی هستند که ویژگیهای بارز آنها استقلال از سایر نهادها و تکیه بر خود برای وضع قواعد و مقررات است. رژیم خودسامان و خود بسنده رژیمی است که در بردارنده قواعدی است که نه تنها زمینه ای خاص یا روابط واقعی را با وضع حقوق و تکالیف بازیگران متعلق به این رژیم تنظیم مینماید بلکه شامل دسته ای از قواعد میباشد که ابزارها و سازوکارهایی را برای اجراء حل و فصل اختلاف همینطور جرح و تعدیل تعهدات و واکنش به نقض قواعد ارائه مینماید.^۷

ابتدائاً لازم به توضیح است خود انتظامی در مفهوم اخص در بخشهای و نهادهای اقتصادی مورد استفاده می باشد و میتوان گفت پایگاه اصلی این شیوه کنترل در فعالیتهای اقتصادی

organization or laws to make sure that rules are obeyed

محمد زاده قاسم خود انتظامی در حقوق مطبوعات پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۰، ص

۱۵

^۶ Self-containedness

^۷ عابدینی، عبدالله و کدخدایی عباسعلی اوصاف خودبسندگی نظام سازمان جهانی تجارت در نظام حقوقی بین المللی مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری سال

بیست و نهم شماره ۴۶، ۱۳۹۱، ص ۱۴

مبحث دوم : تبیین حقوقی سازمان های خودانتظام
گفتار اول : ویژگی های سازمان های خودانتظام

در لغت از واژه خود انتظامی یا نهاد خود انتظام تعاریف متعدد و بعضاً مشابهی صورت گرفته است که از آن جمله به موارد زیر اشاره خواهد شد. برخی آن را اعمال کنترل به وسیله خود میدانند که میتواند در اقتصاد سازمان اقتصادی و تجاری و غیره باشد، بالاخص در جایی که چنین اعمال کنترلی به طور مستقل از نظارت دولت قوانین یا مشابه آن صورت میگیرد.^۲ گروه دیگر معتقدند خود انتظامی یعنی تنظیم مقررات و اعمال کنترل از جانب خود میباشد، یا به عبارت دیگر کنترل یا نظارت از درون مانند خود انتظامی در یک فعالیت اقتصادی.^۳ همچنین در تعریف دیگری که در این خصوص ارائه شده است. آمده مرجع خود انتظام سازمان مرجع یا صنعت خودانتظام به صورتی است که اعمالکنترل از جانب خودش صورت میگیرد و این عکس حالتی است که یک سازمان مستقل و یا یک سری. قوانین مرتبط با این قضیه نسبت به اعمال و متابعت از قوانین اطمینان حاصل نمایند.^۴

^۱ یداله، دادگر، منبع پیشین ص ۳۰۸

^۲ Random House Refrence, 2001" Merriam Webster Unabridged Published in the US,P1738

^۳ Webster' Third New International Dictionary of the English Language, Unabridged", Published originally in 1961, edited in 2008,p.1667

^۴ Longman Dictionary of Contemporary English" (2009), Pearson Longman Publications, Printed in China, p. 1581: a self-regulatory system, industry, or organization is one that controls itself, rather than having an independent

مینماید که سازمان بورس اوراق بهادار تشکلی خود انتظام است^۲ یک تشکل خود انتظام یعنی سازمانی که مردم نهاد باشد و موسس و تصمیم گیرنده سازمان بورس باشد این در حالی است که عده ای به این موضوع انتقاد دارند و معتقدند. بر خلاف ظواهر امر، خود انتظامی به معنای واقعی در بورس اجرایی نمیگردد زیرا شورای بورس و اعضایش کاملاً منتخب دستگاه های دولتی هستند و از وزرای اقتصاد بازرگانی رییس کل بانک مرکزی و اتاق بازرگانی و دادستان کل کشور و ... تشکیل میشود^۳ همچنین ماده ۳ آیین نامه اجرایی قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۶ هیات وزیران در رابطه با تشکل خود انتظام اینگونه بیان داشته است که بورسها کانونها بازارهای خارج از بورس و شرکتهای سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه تشکل خود انتظام محسوب میشوند مصادیق سایر تشکلهای خود انتظام توسط شورا تعیین میشوند:

حقوقدانان و اقتصاددانان زیادی سعی نموده اند تا با ارایه نمودن تعاریفی نسبتاً جامع، این تاسیس حقوقی - اقتصادی را تبیین نمایند برخی از اقتصاددانان بیان نمودند که خودانتظامی به موقعیتی اطلاق میشود که در آن گروهی یا گروه هایی از افراد با یکدیگر فعالیت میکنند تا یکسری عملیات تنظیم مقررات و اعمال کنترل را در رابطه با خودشان و کسانی که صلاحیت قانونی آنان را مورد پذیرش قرار داده اند اجرا نمایند.^۴

^۲ چراغی، شاهین، خود انتظامی که خود انتظام نیست نشریه بورس شماره ۱۰۶، ۱۳۹۲، ص ۳۳

^۳ انصاری، علی و عیسایی تفرشی، محمد، تحلیل حقوقی اقتصادی نهادهای خود انتظام و نقش مراجع غیر دولتی ناظر بر این نهادها در بازار سرمایه ایران و آمریکا، فصلنامه بورس اوراق بهادار شماره ۲۰، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲.

³ Carson, John, Self-Regulation in Securities Markets, Policy Research Working, 2011, p 5542.

⁴ Black, John (2003) " A Dictionary of Economics" Oxford University Press,p 422

میباشد که با موضوع مورد بررسی ما نیز هم سو می باشد بنابر این در ارائه تعریف ناگزیر از استفاده از منابع و رویکردهای اقتصادی می باشیم:

از نظر اصطلاحی میتوان گفت خود انتظامی یعنی نظامی که در آن رویکرد دولت برای کنترل یک بخش اقتصادی، معین نمودن اهداف کلی باشد و وظیفه تهیه و اجرای مقررات جزئی را به گروهی بسپارد که در آن بخش مشغول فعالیت هستند مزیتی که برای این نوع نظام گفته شده است این است که افرادی که در این بخش فعالیت دارند بهتر از کسانی که در خارج از چنین بخشی قادرند تا مشکلات را شناسایی نمایند و روشهای واقع گرایانه برای اعمال کنترل را ابداع نمایند.

خطری هم که در رابطه با خود انتظامی وجود دارد، این است که ممکن است این نظام بیش از حد معمول به حمایت شرکتهای ثبت شده و با سابقه در این بخش بپردازد و عنایت کمی به منافع مربوط به حمایت از مصرف کننده یا فرصتهایی برای خالفان در عرصه یا افراد تازه وارد به یک صنعت داشته باشد^۱ در قانون نیز به مفهوم خود انتظامی اشاره شده است قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی در بند ۲ ماده ۱ در تعریف بورس اوراق بهادار آن را بازاری متشکل و خود انتظام میداند که اوراق بهادار در آن توسط کارگزاران و یا معامله گران طبق مقررات این قانون مورد قرار میگیرد. سپس قبل از تعریف تشکل خود انتظام در بند ۵ ماده ۱ ابتدا به ذکر مصادیقی از این مفهوم می پردازد و در ادامه در ماده یک بند ۶ قانون بازار اوراق بهادار مقرر

^۱ بند ۶ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار تشکل خود انتظام تشکلی است که برای حسن انجام وظایفی که به موجب این قانون بر عهده دارد و همچنین برای تنظیم فعالیتهای حرفه ای خود و انتظام بخشیدن به روابط بین اعضاء مجاز است ضوابط و استانداردهای حرفه ای و انضباطی را که لازم میداند با رعایت این قانون وضع و اجراء کند چراغی شاهین خود انتظامی که خود انتظام نیست نشریه بورس

استثنایی که در برابر مراجع عمومی است و به هیچ امری حق رسیدگی را ندارد غیر از آنچه قانون صراحتاً اجازه داده است و تشکیلات و ترتیبات رسیدگی آنها به موجب قانون علیحده مشخص گردیده مفهوم مراجع استثنایی در برابر مراجع عمومی است که صلاحیت آنها منحصر به رسیدگی به امور و یا محاکمه اشخاصی است که قانونگذار صراحتاً مشخص نموده است.

در امور مدنی نیز اصل بر صلاحیت دادگستری است چون حسب اصل ۱۵۹ قانون اساسی مرجع رسمی تظلمات شکایات دادگستری میباشد؛ بنابراین استثناء این اصل یعنی رسیدگی توسط مراجع غیر دادگستری نیاز به ارجاع قانون دارد در ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی به این معنا توجه شده^۲ و رسیدگی به دعاوی در صلاحیت دادگاه های دادگستری شناسایی گردیده است هر یک از مراجع اختصاصی خارج تشکیلات قضایی (استثنایی) به امری اختصاصی رسیدگی مینمایند و از نظر تعداد و نوع بسیارند و معمولاً در ارتباط با وظایف خاصی سازمانهای کشوری تشکیل میشوند بعضاً یک نفر عضو قاضی نیز در آن مراجع وجود دارد. این مراجع اختصاصی استثنایی بر اصل رسیدگی صلاحیت محاکم دادگستری است که قانونگذار بنابر مصالحی اجازه رسیدگی به آنها داده است. در قوانین و مقررات مختلف مراجعی برای رسیدگی به برخی از امور مدنی تعیین شده اند مثل کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداریها کمیسیونهای ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها مراجع حل اختلاف کارگر و کارفرما و... این مراجع حسب مورد با توجه به صلاحیت اصطلاحاً مراجع شبه قضایی و یا مراجع قضاوتی اداری و یا مراجع قضایی غیر دادگستری نامیده میشوند در راستای اعمال سیاست قضاودایی و کاهش ورودی پرونده ها به محاکم، یکی از مهمترین ابزارهای موجود توجه به سایر مراجع و تقویت نهادهای شبه قضایی است.

برخی دیگر بر این باورند که خود انتظامی بخش مهمی از ساختار مقرراتی بازارهای بورس در کشورهای از خود حال توسعه و همچنین توسعه یافته است استفاده از خود انتظامی و سازمانهای خود انتظام اغلب به عنوان یک استراتژی بزرگتر برای افزایش کارآمدی مقررات گذاری اوراق بهادار و تمامیت بازار در اقتصادهای نوظهور توصیه می گردد.

گفتار دوم: مفهوم روشهای حل اختلاف در سازوکارهای خودانتظام
بند اول: روش حل اختلاف عمومی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۵۹ صلاحیت رسیدگی به دعاوی را به طور کلی در اختیار دادگاه های دادگستری گذاشته^۱ ولی ترتیب اعمال و تقسیم آن را میان دادگاه ها بر عهده قوانینی عادی واگذار گردیده است تا با توجه به موقعیت و مقتضیات کار به آن عمل نمایند همانطور که میدانیم صلاحیت مراجع قضایی در رسیدگی به دعاوی اصل است و قانونگذار بنا به بعضی مصالح رسیدگی و بررسی بعضی از امور را در اختیار مراجع غیر دادگستری قرار داده است.

دادگاه های عمومی مراجع قضایی هستند که صلاحیت و شایستگی رسیدگی به کلیه دعاوی اعم از حقوقی و کیفری را دارند مگر آنچه را قانون در صلاحیت دادگاه های اختصاصی قرار داده است دادگاه های اختصاصی نیز مراجعی هستند که صرفاً مجاز به رسیدگی به همان مواردی که قانون احصاء کرده هستند و لاغیر؛ به عبارت دیگر صلاحیت رسیدگی در دادگاه های اختصاصی بر خلاف اصل و استثنایی است که خود به دو دسته تقسیم میشوند.

الف - مراجع اختصاصی داخل تشکیلات قضایی مثل دادگاه انقلاب نظامی و دیوان عدالت اداری

ب - مراجع اختصاصی خارج از تشکیلات قضایی و

^۲ ماده ۱۰: رسیدگی نخستین به دعاوی حسب مورد در صلاحیت دادگاه های عمومی و انقلاب است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد.

^۱ اصل یکصد و پنجاه و نهم مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است تشکیل دادگاه ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است

بند دوم: روش حل اختلاف تخصصی

بسیاری از کشورهای دنیا به خصوص در بورس است، رالیا آمریکا و انگلستان مورد پذیرش قرار گرفت.^۲ در کشور ما اما در مقایسه داوری در بورس اوراق بهادار با سایر داوریهای تجاری مشخص میگردد که این داوری تفاوتی زیاد و خاصی با سایر داوریها دارد. امروزه بورسهای دنیا به سوی واگذاری مسئولیت به نهادهای خود انتظام حرکت کرده اند این نهادها وظیفه رفع اختلاف را در سطوح پایتتر بر عهده دارند.^۳

لذا وضع و تاسیس نهادهای داخلی در سازمان بورس یا پیش بینی نهادی غیر قضایی و یا ایجاد مراجع تخصصی با حضور کارشناسان خبره امر بورس میتواند در این زمینه راهگشا باشد همچنین چگونگی رسیدگی تشریفات و آیین دادرسی حاکم بر این مراجع نیز از مسائلی است که قابل تامل و توجه خواهد بود امروزه توجه به این مساله بیش از پیش احساس شده است و همانطور که اشاره شد در بخشی از قوانین بورسی به مراجعی نظیر داوری و ... برای حل اختلافات فعالان بورس اشاره شده است و همچنین دیدگاه مقنن نیز به سمت محاکم تخصصی قابل تغییر این را میتوان در قوانینی که اخیراً تصویب شده اند دریافت به نظر میرسد محدوده صلاحیت هیأت در رسیدگی به اختلافات از حیث موضوعی و شخصی محدود به اختلافات میان فعالان بازار و کارگزاران بورس و اختلافات ناشی از فعالیت حرفه ای آنهاست و در این زمینه از صلاحیت ذاتی برخوردار است گفتنی است که هیأت داوری بورس یکی از مراجع رسیدگی به اختلافات فعالان بازار است و آراء هیأت داوری قطعی و لازم الاجراست لذا فاقد قابلیت تجدید نظر خواهی در داخل سازمان است و قابلیت اعتراض در دیوان

امروزه تالارهای بورس کالا و اوراق بهادار نقش مهمی در اقتصاد کشورهای مختلف و حتی اقتصاد جهان ایفاء می کنند هر روزه میلیونها سهم در این تالارها معامله میشود و افزایش یا کاهش قیمت سهام میتواند حتی شرکتهای بزرگ را نیز دچار بحران سازد. در جریان این معاملات آنچه بسیار اتفاق میافتد اختلاف است. چرا که هر جا بحث معامله و پول مطرح باشد بروز اختلاف اجتناب ناپذیر است، با توجه به تخصصی بودن فعالیت در بورس، ضرورت رسیدگی تخصصی به این اختلافات نیز احساس میشود همچنین با عنایت به این که بورس محل داد و ستد و معامله اوراق بهادار است و در این معاملات ممکن است اختلافاتی بین طرفین رخ دهد، وجود نهادی برای حل و فصل اختلافات ناشی از معاملات بورس از همان ابتدا احساس میشد بر همین مبنا قانون بازار اوراق بهادار سه نهاد را برای رسیدگی به اختلافات فعالان بازار در نظر گرفته است که از این سه عملاً کمیته سازش و هیأت داوری مهمترین رکن این بازار در حل اختلاف هستند.^۱

در خصوص ضرورت وجود نهادهای تخصصی در بورسها باید گفت: هم زمان با گسترش فعالیت بورس اوراق بهادار در قرن بیستم اختلافات بسیاری در بین مشتریان و فعالان این بازار به خصوص کارگزاران بورس ایجاد گردید. در نتیجه با گسترش معاملات بازار سرمایه حجم عظیمی از اختلافات به سمت دادگاه ها روانه گردید. اگرچه دادگاه ها مرجع اصلی حل کلیه اختلافات هستند اما برخی مشکلات از جمله عدم تخصصی بودن رسیدگی ها، اطاله دادرسی باعث گردید که طرفین اختلاف به دنبال مرجع دیگری برای رسیدگی به دعوی خود باشند. از طرف دیگر استفاده از شیوه های حل و فصل اختلاف جایگزین برای سالهای زیادی دارای محدودیت بود و یکی از این محدودیتها استفاده از این شیوه ها در بورس اوراق بهادار بود اما کم کم داوری به عنوان یک شیوه مناسب در

^۲ جابری، جهرمی، محمد صالح بررسی سیستم حل اختلاف در بورس اوراق بهادار ایران همراه با بررسی تطبیقی در حقوق آمریکا پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران ۱۳۸۹، ص ۷

^۳ قربانیان، حسین، فرایند رسیدگی به اختلافات فعالان در بازار بورس

^۱ سلیمانی فر، مهدیه، مراجع حل اختلاف در بازار سرمایه پایان نامه

عدالت ادراکی را ندارد.^۱

خاص یک موضوع را که بدانها مربوط میشود بهتر مد نظر قرار میدهند و به نحوی مؤثرتر از حقوق بین الملل عام آن را به نظم درآورده و به نحو دقیقتری تمایلات اعضای آن را تعقیب مینمایند همچنین بند ۱۱ از نتایج کارگروه مطالعاتی در مورد چند پارگی حقوق بینالملل این گونه بیان میدارد دستهای از اصول و قواعد مرتبط با یک موضوع خاص ممکن است رژیم خاصی را شکل دهند خود بسنده و به عنوان حقوق خاص قابل اعمال باشند. این گونه رژیمهای خاص اغلب سازمانها و نهادهای خودشان را برای اداره قواعد مربوطه دارا هستند.^۲

در یک تعریف تقریباً جامع و به طور کلی میتوانیم رژیمهای خودانتظام را چنین تعریف کنیم که خود بسندگی به معنای رژیمی که در بردارنده قواعدی است که نه تنها زمینهای خاص یا روابط واقعی را با وضع حقوق و تکالیف بازیگران متعلق به این رژیم تنظیم مینماید قواعد اولیه بلکه شامل دسته ای از قواعد میباشد که ابزارها و سازوکارهایی را برای اجرا حل و فصل اختلاف همین طور جرح و تعدیل یا اصلاح تعهدات و واکنش به نقض (قواعد ثانویه) ارائه نموده است^۳ یکی از جنبه های خود انتظامی شیوه های حل و فصل اختلافات میباشد که نهاد خود انتظام آنها را خود به کار مینماید چنانچه از کارکرد و تاریخچه بورس از ابتدا تاکنون به دست میآید همگی نشان از اهمیت این نهاد برای دولت جهت نیل به اهداف و سیاستهای کلان اقتصادی جامعه میباشد و قطعاً کارآمدی این نهاد به معنای دست یابی بیشتر و بهتر و سریع تر دولت به این اهداف میباشد.

در واقع نظام اقتصادی هر کشور در سطح کلان دارای دو بخش است: بخش واقعی که شامل فعالیتهایی نظیر تولید و مصرف و صادرات و غیره را در بر میگیرد (مانند بازار کالا) و بخش مالی که مبادلات پول و اوراق بهادار در آن صورت

البته مفروض میدانیم که عمدتاً اختلافات فعالان بورس و کارگزاران و ... بیشتر معطوف به همان فعالیت تجاری حرفه ای در بازار بورس باشد البته محال نیست که این اختلافات جنبه های دیگری از دعاوی را به تبع این فعالیت در خود جای بدهد. به نظر میرسد چون مرجع اول و ابتدایی حل اختلافات دادگستری است و این امر در قوانین مقرر شده است دستگاه قضایی هم علاوه بر نهادهای تخصصی مبتنی بر خودانتظام بودن بورس در برخی فروض صالح به رسیدگی تلقی گردد.

گفتار سوم: بررسی مبانی اشکال و آثار نهادهای خود انتظام

در این گفتار تلاش خواهیم کرد تا با بررسی دقیقتر و اختصاصی تر نهادهای خود انتظام به بیان مبانی و احکامی که ناظر بر فعالیت نهادهای خود انتظام نظیر بورس است بپردازیم و شمول اعتبار مصوبات آنها و نقش نهادهای دولتی در نظارت بر آن و همچنین مزایا و معایب آنها را با تمرکز بر بورس مورد مطالعه قرار بدهیم.

بند اول: مبانی خود انتظامی از منظر حقوقی

قانون بازار اوراق بهادار مصوب آذر ۱۳۸۴ تغییراتی را پیرو تحولات بنیادین در بازارهای سرمایه دنیا در بازار سرمایه کشور ایجاد نمود یکی از مهمترین مواد قانون اخیر بند ۳ ماده (۱) قانون مذکور میباشد که در آن بازار اوراق بهادار به عنوان بازاری متشکل و خود انتظام معرفی شده است به علاوه در سایر رشته های حقوق از جمله حقوق بین الملل نیز که با این مفهوم و نهادهای خود بسنده مواجه هستند تعاریف و اظهار نظرهایی درباره آن ارائه گردیده است. به عنوان مثال رئیس کارگروه چندپارگی حقوق بین الملل آقای مارتی کاسکنمی در بعضی بندهای گزارش خود توضیحاتی پیرامون این پدیده به شکل نه چندان دقیق و به طور کلی بیان میدارد منطق رژیم های خاص یا خود بسنده مشابه قواعد خاص می باشد چرا که ویژگیهای

^۲ Fragmentation Report, 2006, para 191.

^۳ عابدینی، عبدالله، سازمان تجارت جهانی به عنوان رژیم خود بسنده

در حقوق بین الملل پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲

^۱ کریملو، وجیهه، داوری بازار اوراق بهادار در نظام حقوقی ایران پایان

نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۹، ص ۷۶

البته ذکر این نکته ضروری است که در ادامه و با مشاهده شواهد عینی از شکست چنین نهاد هایی که بدون هیچ گونه نظارت از سوی دولت به فعالیت میپردازند دریافتند که می بایست یک نهاد ناظر بر فعالیت آنان جود داشته باشد. در واقع پس از شکست نظریه های سرمایه داری در دهه ۱۹۳۰ اقتصاد جهان به سمت ارائه تعریف جدیدی برای دولت و حوزه مداخلات آن پیش رفت در این دوران دولت اقتصاد دانان لیبرال کنار گذاشته شد و به جای آن در بسیاری از مناطق دولت مداخله گر برای کاهش بیکاری گسترده و راهنمایی اقتصاد ها به سمت دولت رفاه ظاهر شد.^۳ دولت رفاه به موازات ارائه خدمات رفاهی مسئولیت سرمایه گذاری برای رشد را بر عهده گرفت. این امر موجب پیدایش بخش عظیمی از فعالیتهای اقتصادی دولت شد که قسمتی از آن از طریق ملی کردن صنایع خصوصی و قسمتی نیز از طریق سرمایه گذاری از محل وجوه عمومی در موسسه های اقتصادی تازه تاسیس دولتی حاصل شد.^۴ در اروپای غربی موسسه های اقتصادی دولتی در رشته های مختلف حاکم بودند و به عبارتی الگوی حاکم بیشتر بر اساس مالکیت عمومی بود این رویه ادامه داشت تا اینکه واکنش علیه الگوی یاد شده در هر یک از مناطق مشاهده شد واکنش مذکور به صورت انتقاد از نظام کینزی و دولت رفاه و اقتصاد مختلط ظهور کرد. پس کاهش حجم دولت از طریق فروش موسسات دولتی به بخش خصوصی پیشنهاد شد.

در نتیجه بسیاری از شرکتها و بنگاه های دولتی در بخشهای مختلف مانند ارتباطات و مخابرات آب و برق و گاز به منظور افزایش کارایی به بخش خصوصی واگذار گردید این پدیده به بهبود شرایط منتهی شد اما مشکلاتی را پدید آورد؛ به عبارتی شرکتهای دولتی خصوصی شده که اغلب از مقیاس

میگیرد (بازارهای پول و سرمایه بخش مالی هر نظام اقتصادی عهده دار وظیفه انتقال پس اندازها و تخصیص آنها بر سرمایه گذاری در بخش واقعی است. بخش مالی و واقعی اقتصاد در واقع مکمل یکدیگر هستند و تاثیر آن ها بر یکدیگر غیر قابل انکار است ارتباط تنگاتنگ این دو بخش موجب میگردد که از رکود و رونق یکدیگر متاثر گردند. پس توسعه بخش مالی شکوفایی بخش واقعی را در بر خواهد داشت. موفقیت بازار سرمایه در ایفاء نقش خود و به تبع آن رونق و شکوفایی بخش واقعی نظام اقتصادی در گرو کارایی این بازار است. هر اندازه بازار سرمایه کارا باشد پس انداز کنندگان با رغبت بیشتری وجوه مازاد بر نیازشان را در این بازار سرمایه گذاری میکنند و حجم عمده ای از نقدینگی عموم به این بازار سرازیر میشود.^۱ که به نظر اعطای خود انتظامی به بازار بورس از سوی قانونگذار با همین هدف و در راستای کارآمد نمودن بازار بورس بوده است. پس قطعاً کارآمدی این نهاد به معنای دست یابی بیشتر و بهتر و سریع تر دولت به این اهداف میباشد که به نظر اعطای خود انتظامی به بازار بورس از سوی قانونگذار با همین هدف و در راستای کارآمد نمودن بازار بورس بوده است. در خصوص پدیده خود انتظامی در جهان. گفته شده است که نه یک پدیده نو ظهور است و نه متمایل به افول و منفسخ شدن میباشد.^۲ میتوان گفت که نخستین نهادهای خود انتظام حداقل در عرصه اقتصاد و تجارت متاثر از اندیشه ها و رهنمودهای مکتب کلاسیک به شمار می آید. چنانچه نظام بورس ایالت متحده آمریکا قبل از بحران بزرگ یعنی قبل از سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۲۹ بر اساس اندیشه های مکتب کلاسیک یا دست نامرئی استوار بود در چنین زمانی دولت آمریکا به این نتیجه رسیده بود که هر چه از دخالت خود در فعالیت های اقتصادی بکاهد و به عبارت دیگر حضور خود را کم رنگ کند، سازمانها و بنگاه های اقتصادی بازدهی بهتری خواهند داشت.

^۳ مسعود باغستانی، اشرف السادات میری، رضا صمدی بروجنی مهر و

آبان ۱۳۹۴ لزوم دخالت دولت در مقررات گذاری و نظارت بر بازارهای

مالی مجله اقتصادی ص ۴۳-۵۸

^۴ قاسمی، مجید، ۱۳۸۶ نظارت بانکی و راهکارهای مناسب برای

کارآمد کردن آن مجله بانک و اقتصاد شماره ۸۸

^۱ یدالله دادگر و همکار، مبانی و اصول علم اقتصاد ص ۵۸ - ۶۱

^۲ Black, Julia, (1996) "Self-Regulation Failur" The modern Law Review Limited (MLR 59:1, January), Published by 58 Blackwell Publishers, p25

فعالیت گسترده برخوردار بودند در نهایت یا تبدیل به انحصارات خصوصی شدند یا با یکی دیگر از موارد شکست در بازار روبه رو شدند و به این دلیل در عمل کارایی تحقق نیفتاد اما این بار راه حل ارائه شده کمک گرفتن از دولت در جایگزین شدن با بازار نبود بلکه از دولت خواسته شد تا نقش ناظری مسئول را در اقتصاد ایفا نماید و در هنگام بروز شکست ها راهکار جبران آن مورد شکست و نه اداره صنعت مربوطه را اتخاذ نماید بنابراین بنا بر نقش مهمی که بازارهای مالی در توسعه اقتصادی جوامع دارند حتی کشورهایی که آزادی فعالیت‌های اقتصادی را در حد افراطی آن به رسمیت شناخته اند^۱ نظارت بر بازارهای مالی و کنترل فعالیت نهادهای فعال در این بازارها را ضرورتی انکار ناپذیر میدانند.

به بیان دیگر با وجود آنکه اقتصاد آزاد در قالب دست نامرئی^۲ و راهکارهای بازار میتواند بسیاری از مشکلات اقتصادی را حل کند اما باید پذیرفت بدون دولت قادر نیست همه امور را به خوبی پیش ببرد.^۳ ایالت متحده آمریکا به عنوان پرچم دار اقتصاد آزاد بعد از بحران بزرگ سال ۱۹۲۹ با تاکید بر ضرورت نظارت همه جانبه بازار سرمایه و نهادهای فعال در آن کمیون اوراق بهادار بازار را ایجاد کرد که اکنون بزرگ ترین و قوی ترین نهاد ناظر دولتی بر فعالیت‌های اقتصادی در این کشور میباشد و تعداد کارکنان و توان مالی آن به مراتب بالاتر از بانک مرکزی این کشور میباشد در این مورد باید به این نکته اشاره کرد که از منظر حقوقی قوانین و مقررات عمومی و حتی آیین نامه ها و دستورالعمل‌های اختصاصی تا حدودی میتوانند چارچوب اصلی و موازین مهم را در نهادهایی مانند بورس پیش بینی نمایند و لذا امکان تحقق و برآورده سازی این نیاز که تمام تشریفات حرفه ای حاکم بر نهادهایی نظیر بورس به موجب تصویب قوانین عمومی رفع شود غیر ممکن به نظر میرسد.

بنا به این امر است که از منظر حقوقی لزوم خودانتظامی در برخی از نهادها مانند بورس توجه پذیر خواهد بود و به موجب قانون این نهادها به صورت خودانتظام و یا خود سامان و با تسلط بیشتر بر تشریفات و سازوکار داخلی اقدام به وضع استانداردها و شرایط حرفه ای و انضباطی مینمایند که ماحصل آن تنظیم فعالیت حرفه ای و نظم بخشی به روابط خواهد بود از نظر حقوقی در روش خود انتظامی به جای دولتها به معنای حاکمیت خود نهادها مانند بورس ملزم به ایجاد مقررات هستند یکی از مهمترین دلایل خودانتظامی در بورس غیرمتمرکز بودن و داشتن وجهه های بین المللی ناشی از تجارت و بازرگانی است. همچنین این روش علاوه بر اینکه کارایی قانونگذاری های عمومی و ملی را دارا است به مراتب به دلیل تسلط مسئولان نهاد بورس به سازوکار حاکم بر این سازمان ساده تر و کم هزینه تر خواهد بود در مقطع کنونی نهادهای خود انتظام در بازار سرمایه ایران از سابقه چندانی برخوردار نیستند، از سوی دیگر ضرورت اجرای قانون و استقرار آن اقدام جدی و پیگیرانه ای در ابعاد طلب کند تلاش و می اهتمام سازمان بورس و اوراق بهادار) به عنوان یک تشکل خود انتظام بر این است که در سایه بررسیهای انجام شده و بهره گیری از نظرات متخصصان بازار سرمایه امور را سامان داده و برخی از دستاوردهای گسترش بازارهای مالی را عینیت بخشد^۴.

بنابراین باید گفت به طور کلی مبنای حقوقی اعطای خود انتظامی به بازار بورس گرایش عمومی صاحبان سرمایه اعم از ملی یا بین المللی به استقلال بورسها از مداخلات روزمره دولتها است البته تحت نظارت آنها برای رفع کاستیهای بازار و حفظ عدالت اجتماعی که باعث شده بازارهای اوراق بهادار به عنوان بازاری متشکل و خود انتظام بهتر بتوانند فعالیت کنند و به اهداف پیش گفته دست یابد.

بند دوم: مبنای خود انتظامی از منظر حقوقی سیاسی و اجتماعی

^۱ نظیر آمریکا در سالهای ۱۹۱۰ تا ۱۹۳۰

^۲ Invisible hand”

^۳ دادگر، یدالله، ۱۳۹۱، اصول تحلیل اقتصادی خرد و کلان نشر آماره

تهران ص ۱۷۹

^۴ صالح آبادی، علی، خود انتظامی در بورس نشریه بورس شماره ۵۸،

۱۳۸۵، ص ۲.

موثر چنین نهادهایی را سبب شود، تضمین استقلال آنها است. استقلال نهادهای تنظیمگر مالی از دولت و قوای حاکمیتی در وضع مقررات نظارت و استقلال ساختاری و مالی جنبه های مختلف استقلال هستند.

تضمین استقلال نهادهای مالی در وهله نخست به منظور جلوگیری از تأثیر سیاست بر کارکرد اینگونه نهادها است. برای نمونه اینکه رییس جمهور نتواند اعضای یک نهاد تصمیم گیر مالی مانند بورس را بدون عذر موجه برکنار نماید، این را تضمین میکند که مدیران و مسئولان آن نهاد مالی بدون هراس از تصمیم گیریهای آنی دولت، اقدام به سیاست گذاری طولانی مدت در راستای اهداف تعیین شده و به نفع جامعه نمایند.^۱ وابستگی بورس به دولت و یا بخش خصوصی و صنایع داخلی حسب مورد به نفوذ سیاستها یا تأثیر منافع آنها در نهاد یاد شده می انجامد. این نفوذ میتواند تأثیر مخربی بر عملکرد و استقلال نهادهای مالی در وضع و تنظیم مقررات و نظارت داشته باشد استقلال این نهادها به واسطه خود انتظامی به آنها کمک میکند تا به دور از تأثیر تصمیم گیریهای کوتاه مدت با مقاصد سیاسی - جناحی خاص به وظایف خود در تنظیم بازار عمل نمایند و آن را قربانی چنین مقاصدی نسازند.

ب: کاهش نظارت و کنترلهای محدود کننده

امر نظارت بر نهادهای خود انتظام مانند بورس نیز باید به سوی نظارت خود انتظامی و کاهش نظارت فراگیر دولتی سوق پیدا کند روشن است که خود انتظامی به نفع عموم جامعه است خودانتظامی علاوه بر آن منافع مهمی برای حرفه و مشاغل به دنبال دارد زیرا باعث میشود نهادهایی مانند بورس از طریق یک نهاد نظارتی که بر حرفه شان حاکم است توسط هم پیشه گانشان تحت نظارت قرار گیرند ساز و کار نظارتی در این حالت حرفه را تقویت میکند نه اینکه باعث تضعیف آن شود در عین

از آنجایی که مزایای سیاسی و اجتماعی خود انتظامی در تشکلهایی همچون بورس در نهایت بازتاب تأثیرات مثبت خود را در ابعاد اقتصادی نیز خواهد گذاشت لذا در این قسمت به طور مختصر به برخی از مزایای سیاسی و اجتماعی حاکم بر خود انتظامی اشاره خواهیم کرد.

الف: استقلال از قوای حاکمیتی

اصولاً کاهش دخالت و نفوذ قوای حاکمیتی در تشکلهای خود انتظام از جمله مزایای سیاسی خودانتظامی به شمار خواهد رفت به عبارت دیگر هر چقدر که حوزه تقنین کشور و سیاست قوه مقننه به سمت خود انتظام کردن تشکلهای و نهادها نیل کند به همان میزان استقلال نهادهایی همچون بورس مورد توجه قرار خواهد گرفت که این امر موجب فراهم شدن ایجاد موانع قانونی برای دخالت و نفوذ قوای حاکمیتی میشود و البته سبب قدرت بیشتر نهادهایی همچون بورس با چارچوب قوانین داخلی و البته مدیریت مسلط بر آن حوزه خواهد شد. یکی از مهم ترین عوامل موفقیت در امر اطمینان بخشی جامعه به بورس استقلال بورس است. استقلال فلسفه وجودی و روح بورس مستقل است و یک بورس مستقل بدون استقلال عملاً فاقد معنی و مفهوم است. خودانتظامی نقش بسزایی در تقویت استقلال بورس و جلب اعتماد جامعه به شراکت و سرمایه گذاری در این بازار خواهد داشت. حوزه سیاست نیز نهادهای تنظیمگر مالی از جمله سازمان بورس و اوراق بهادار نقش مهمی در تنظیم مقررات مربوط به بازار سرمایه دارند.

در گذشته از یک سو به دلیل سادگی ساختار حکومت وضع اجرا و تفسیر قوانین و نیز الزام اشخاص به رعایت آنها صرفاً بر عهده قوای سه گانه مقننه مجریه و قضاییه بود و از سوی دیگر، بسیط محدود بودن وظایف حکومتی موجب میشد که این ساختار بتواند نیازهای جامعه را کفایت کند. با این حال، صنعتی شدن جوامع و اشتغال هرچه بیشتر دولتها به اموری از قبیل بانکداری تجارت سرمایه گذاری، بیمه و صادرات و واردات وضعیت را دگرگون ساخت و ایجاد نهادهایی با کار ویژه تنظیم گری در حوزه روابط مالی را ضروری نمود؛ بنابراین میتوان گفت کارایی موثر این نهادهای تنظیمگر مالی با استقلال آنها در هم گره خورده است و به عبارتی آنچه بیش از همه میتواند کارایی

^۱ رهبر، نوید، حفظ استقلال نظام بورس و اوراق بهادار جمهوری

اسلامی ایران نشریه مطالعات حقوق تطبیقی دوره ۸، شماره اول

حال تحت نظارت بودن اعتماد و اطمینان عمومی پدید می آورد مزیت نسبی ایجاد میکند و هزینه ای کمتر از سایر اشکال نظارت دارد.^۱ در واقع باید گفت خود انتظامی از طریق خود نهادهایی مانند بورس نیازمند طراحی یک دستگاه دیوان سالار نظارتی متمایز نیست و از این نظر روشی است که در آن با کمترین هزینه میتوان به اهداف نظارتی دست یافت و خودانتظامی در نهایت منافع عمومی گروه های ذی نفع خدمات مالی را تأمین میکند.

^۱ علوی، سید محمد، ضرورت خود انتظامی در حرفه روزنامه دنیای

